

درس روانشناسی شخصیت: ساعت تشکیل کلاس: سه شنبه ۱۸-۱۶

منبع درس و امتحان: کتاب ارزشیابی ویژگی های شخصیتی و تربیتی (ویرایش دوم)،

جلسه هشتم: ۹۹/۲/۲:

توجه داشته باشید که این خلاصه ای از مطالب مطرح شده در کتاب است و برای رسیدن به نمره ایده آل و مطلوب می باید فصول مشخص شده کتاب را با جزئیات کامل مطالعه نمود

خلاصه ای از مطالب فصل سوم: سیر تاریخی ارزشیابی شخصیت: از ابتدای فصل (ص ۱۲۳) تا ص ۱۳۴: آغاز

استفاده از آزمونهای هوشی: تا همین جا از این فصل برای امتحان محسوب می شود. سوال تشریحی: ۲-۳ نمره

مهارت شناخت و ارزشیابی درست از ویژگی های فردی و اجتماعی خود و دیگران، مهم ترین موضوعی است که می تواند نقطه ی عطفی از زندگی یاریگر و راهنمایی برای رسیدن به یکی از مهم ترین آرزوها و خواسته هایمان باشد. کنجکاوی، تفکر و تلاش انسان برای شناخت خود و جهان بیرونی از نخستین روزهای حیات بشر بر روی کره زمین شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. ارزشیابی ویژگی های شخصیت انسان نشانه آن است که هر یک از انسان ها دارای شخصیت منحصر به فردی هستند که این تفاوت های فردی حاصل تأثیر عوامل مختلف محیطی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. اگر چه ارزشیابی شخصیت افراد ممکن است نتواند به پیش بینی دقیق ویژگی های شخصیتی بپردازد، اما می توان از طریق مشاهده رفتار، مصاحبه و گروه سنجی تا حدودی از خلق و خوی فرد آگاهی پیدا کرد. شناخت ویژگی های شخصیتی دیگران در مواردی از جمله تعامل و ارتباط بین فردی، داد و ستد، ازدواج و مشارکت ضروری و با اهمیت تلقی می شود. نظریه پردازان مختلفی حسب دوره های فرهنگی- اجتماعی و تجارب خود به بررسی علل رفتاری و بروز ویژگی های شخصیتی انسان پرداخته اند. روانکاوان شخصیت کنونی فرد را حاصل تجارب دوران کودکی می دانند در حالی که رفتارگرایان عوامل محیطی، طرفداران دیدگاه شناختی- اجتماعی تعامل محیط بیرونی و درونی، رویکرد صفات با تأکید بر صفات و طرفداران بنیادهای زیستی به جنبه های ذاتی و زیستی اهمیت می دهند. وجه مشترک کلیه نظریه پردازان و محققان تلاش برای شناخت هر چه بهتر بشر و عوامل مؤثر بر بروز رفتار بوده است که این امر موجب رشد و گسترش علوم انسانی و اجتماعی را تا حدود زیادی به دنبال داشته است.

آنچنان که می‌دانیم هر یک از انسان‌ها از نظر خلق و خو با یکدیگر متفاوت هستند و این تفاوت در هر دوره نسبت به گذشته بیشتر شده است. افلاطون یکی از اولین کسانی بود که از تفاوت‌های فردی به طور واضح سخن گفته است و انسان‌ها را به سه گروه (طلا، نقره و آهن) تقسیم کرده و ضمن ذکر ویژگی‌های خاصی برای هر یک از گروه‌ها وظایف و مشاغل خاصی را در نظر گرفته است. در عهد یونان باستان نیز تفاوت‌های فردی انسان و ویژگی‌های شخصیتی آنان مورد توجه قرار گرفته است و افراد از نظر خلق و خو تحت تأثیر یکی از طبایع چهار گانه (صفراوی، بلغی، سوداوی و دمدی مزاج) تقسیم‌بندی شده‌اند و مشکلات و اختلالات روانی و رفتاری آن‌ها به یکی از این طبایع چهارگانه نسبت داده می‌شد.

تلاش برای علمی شدن نظریه‌ها و ارزشیابی پژوهشی و عینی از شخصیت توسط کرچمر بر مبنای دیدگاه ساختاربندی بقراط در شکل جدیدتری ارائه شد. کرچمر در طول مدت ارتباط خود با بیماران متوجه شد که بین ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات جسمانی آن‌ها ارتباط نزدیکی وجود دارد. لذا، افراد را در سه گروه از نظر جسمانی قرار داد. بر همین اساس (ساختار بدنی) ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آنان را نیز تشریح کرد یکی از عوامل مهمی که موجب تحقیقات فراوانی در مورد ویژگی‌های شخصیتی شده است، جنگ‌های جهانی اول و دوم بودند. همچنین، گسترش صنایع و مشاغل، تبلیغات و تولید نیز از دیگر مسائلی بودند که منجر به گسترش تهیه ابزارهایی جهت سنجش و ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی افراد شده‌اند. پرسشنامه احوال شخصی وودورث، آزمون شخصیتی مینه‌سوتا، آزمون‌های ذهنی فرافکن، آزمون‌های زبانی و رشدکلامی و مهارتی و آزمون‌های هوشی نمونه‌هایی از این دست هستند.